

هوای ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۷: مراسم ۱۵۳ - ۱۵۱ - شششنبه Shekenbach

Lukas 17

برادران و خواهران عزیز

لازم است دعا کردن را بدون حساسیت یاد بگیریم. در زبان آلمانی طبق تجربیات  
به این شکل بیان می شود که ما زمانی سرخ دعا کردن می رویم که به آن نیاز داریم:  
ما درخواستی داریم برای کمک، یاری و مساعدت، نجات و راهی.

باجه جان فرادان از خدا است دعا داریم: "Kyrie eleison"

ما را مورد بخشش و رحمت خود قرار بده خداوند!

اینجا در میان خواهران و برادران ما کسانی هستند که تجربیات تلخی را به یاد می آورند

اوکها شدیداً توسط قذالهای بزرگ کج در می شدند، اخیراً درگیر جنگ و ترور بودند.

خداوند اکنون که ما سوئیم از صله فراد کنیم و به معنای اصلی برسیم، جایی که

حیثم انداز جدیدی از زندگی به ما نمایان می شود، که می تواند دعای استوار و پایدار برای

آنها باشد. در واقع اگر ما نجات را دریافت کنیم، درک می کنیم که شانس ما برای

برای ماست، ما تکرار دوباره یک زندگی جدید.

حرفی که نامی همچنان روی این کره خاکی است و باقی خواهد ماند.

کسی که دعای مراسم ۱۵۳ را می خواند و آفریدها را و حالتی حسنی بخش را سانس می کند، درک  
می کند که تمام آفرینش و برکت را از خداوند دریافت می کند.

کسی که دعای خواند به این عقیده دارد که اهلای و نجات، شفا، بخشش، نگاهان و تمام

این امر خود به خود بوجود نمی آید. بلکه نیاز به توجه و انعکاس آن در زندگی روزمره ما است.  
تشکر و ستایش نباید فقط مقصور به روز خاصی در زندگی باشد، جایی که خوشیها را به  
یکدیگر یادآوری می کنیم. ستایش باید مثل یک عادت در زندگی ما باشد، و  
صمیمانه در ارتباط ما با خداوند و همسایگان ما.

بگذریم کلمه خاصی برای نیایش خداوند ندارد. تشکر و ستایش همیشه محدود به  
تکسین و احترام به خداوند است. ما تشکر نمی کنیم فقط برای خوشیها، برای  
نهایی که دریافت کردیم ولی برای او حمدی خوانیم برای تمام سود و نایدهای  
که از وجود او بردیم و دریافت کردیم. نه به این معنی که ما از بعضی موقعیتهای و  
مشکلات بهره می خواهیم کرد، به این معنی که در میان خوات ایمان داریم  
به قولی که خداوند در نام عسی مسیح به ما داد:

« من تا آخر دنیا هر روز با شما خواهیم بود »

برای آن منظور: « خداوند ارجلای بده و ای روح من فراموش نکن تمام  
الطاف الهی را کسی که تاجش استوار بر عشق و مهربانی و بخشش بر سرش داشت.

« آمین »

« ترجمه: علی قدرانی »

برجات ناشی از وجود خداوند است. و باید به یاد داشته باشیم حقیقت را که از طرف او دریافت کردیم. چون امروزه بسیار عامیان است که مافروض می بینیم که شکر گزار او

باشیم. این یادآوری، تعصب نیست، چون ما به فرزندان خودمان یاری دهیم

که وقتی هدیه ای دریافت می کنند: بگویند: "مستلزم" نه اینکه شکر کنند از این

باب که ما فضل آنها هستیم. هر امری که سیاسی است در صدد خداوند

خدا برای برجاتش و نیاز به انعام آن در زندگی ما. و باید طاملاً ملتفت باشیم

و درک کنیم که این تقاضا به معنی کفالت خداوند بر زندگی ما است.

یک سرور سیاسی قدیم انگلیسی می خواند:

برجات را بشمار و آنها را یک یک نام ببر.

عاشقانه خواهی شد که خداوند چه کارهایی را برای تو انجام داد.

ما بر احوالی مافروض می بینیم که از خدا شکر کنیم زمانی که خطری رفع می شود یا

وقتی تقدیری به پایان می رسد. حتی از مردم در این موقع می گویند: "ما خوش شانس بودیم"

صامعانه ما در این آشوب و اضطراب هستیم. ولی اجازه بدهید که خودمان را اول نزنیم:

کهک از طرف خداوند نصیب ما می شود. هیچ عمارت بخششی به خودی خود بوجود

می آید: همه چیز در زندگی ما به خود ما بستگی دارد. به این معنی که: دوستی با خودمان

و برادرانمان نوعی سیاست خداوند است. رفاقت با کسانی که کارویاری می کنند و در

کناره ها هستند. سیاست خداوند اجباری نیست ولی یک تمایل است نتیجه اعتماد ما است.